

جنبش مشروطه خواهی در بوشهر

دکتر عبدالکریم مشایخی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیامبر اعظم (ص)

چکیده

بندر بوشهر واقع در جنوب ایران و بخش شمالی خلیج فارس، یکی از مهم ترین و استراتژیک ترین نقاط اقتصادی ایران در سده اخیر به شمار می رود. با ظهور جنبش ها و نیز شخصیت های مهم سیاسی و بویژه قیام دشتستان و چاه کوتاهی ها در مقابل استعمارگران و مستبدین، اهمیت چشمگیری در تاریخ معاصر ایران یافت و بخش مهمی از تاریخ مبارزات ضد استبدادی و استعماری را به خود اختصاص داد. مرحوم سید مرتضی اهرمی که خود به توصیه علمای نجف به حمایت از مشروطه خواهی جنوب برخاسته بود، پس از استقرار مجدد مشروطه درجه درگیری با حاکم محلی دولت مشروطه، به یکی از مظلومان واقعی عصر مشروطه تبدیل شد. قیام او در دفاع از مشروطه نتیجه معکوس داد، و فرجامی جز رنج و تبعید برای وی به همراه نیاورد. در این مقاله به برخی از نکات تاریخ پر فراز و نشیب مشروطیت در بوشهر اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: بوشهر، مشروطه خواهی، خلیج فارس، استعمارگران، واسموس.

مقدمه

بندر بوشهر در کنار خلیج فارس از شرایط ویژه و ارزشمندی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت استراتژیک آن در کنار مزایای اقتصادی و ویژگی های اقلیمی سبب گردید تا از عهد زمامداری نادرشاه افشار که بوشهر جدید تأسیس گردید، مورد توجه دول استعمارگر

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۰/۱۰

E-mail: Bonyad_21123@yahoo.com

اروپایی و غیر اروپایی قرار گیرد. از این رو کمپانی‌ها و بنگاه‌های تجاری و مؤسسات و نمایندگی‌های سیاسی و اقتصادی یکی بعد از دیگری در این بندر تأسیس شد. در نتیجه امور بازرگانی و کارهای اقتصادی در این بندر رونقی بسزا یافت. چنانکه طبق اسناد موجود بویژه در دوره قاجار عایدات گمرک بوشهر چند برابر بیش از عایدات دیگر بنادر ساحلی ایران گردید. از این رو کشورهای سوداگر غربی و شرقی با درک موقعیت استراتژیک خلیج فارس و بالاخص بندر بوشهر از نظر اقتصادی، نظامی برای استقرار نمایندگی و تأسیس کنسولگری به رقابت با هم پرداختند. گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و حضور سوداگران در امر صادرات و واردات مستلزم مهاجرت و مسافرت مردم این سامان به خارج از کشور و آشنایی آنان با مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان گردید. در نتیجه این امر منجر به افزایش آگاهی‌های سیاسی و اقتصادی مردم بوشهر از دنیای غرب گردید. آگاهی مردم بوشهر از طریق عوامل فرهنگی دیگر چون انتشار روزنامه‌ها بویژه نشریات مظفری، اصلاح و طلوع در دوره قاجاریه سبب گردید تا در بجهت انقلاب مشروطیت مردم این منطقه نیز در این رستاخیز بزرگ نقش بالندهای ایفا کنند.

آغازگر قیام مشروطیت در شهر بوشهر روحانی برجسته‌ای به نام سید مرتضی اهرمی^(۱) معروف به علم الهدی بود که با همیاری شهید رئیسعلی دلواری علیه محمد علی شاه قاجار پیا خواست. و مجاهدت‌های این دو بزرگوار به همراه سایر نیروهای مترقی ساکن در بوشهر گوشه دیگری از مبارزات خونبار مردم ایران را سامان بخشید. در این راستا سعی بر آن است تا با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی، کتب، مقالات، روزنامه‌ها و نشریات آن روزگار نقش مردم بوشهر در جنبش مشروطیت ایران و علل و عوامل شکست آن قیام در خطه جنوب مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

سید مرتضی اهرمی، آغازگر جنبش مشروطیت

محمد علی‌شاه قاجار بعد از به توپ بستن مجلس در جمادی الاولی ۱۳۲۶ هـ. ق و سرکوب و اعدام آزادیخواهان در باغشاه تهران، با این عنوان که در صدد است مبانی نظم، امنیت و معدلت و موجبات سلامت و سعادت مملکت را فراهم سازد. شرایط استبدادی را بر جامعه حاکم کرد، که با واکنش سخت انقلابیون ایران در سراسر کشور روبرو گردید. اخبار قیام

آزادیخواهان تبریز، گیلان، اصفهان و دیگر شهرهای ایران که به دنبال به توپ بسته شدن مجلس و سرکوب مشروطه خواهان به شهرهای مختلف ایران رسید روحانی جلیل القدر سید عبدالحسین لاری را ترغیب نمود تا هیأت هایی به سه ناحیه داراب، بندرعباس و بوشهر اعزام نماید.

سید طی نامه ای به روحانی مبارز بوشهر، سید مرتضی مجتهد اهرمی، پیروزی های خود بر نیروهای استبداد را در منطقه لارستان به وی اطلاع داد.

ماژور کاکس، سر کنسول انگلیس، در گزارش محرمانه خود به این نامه اشاره دارد.

«سید عبدالحسین لاری» شرحی به یکی از ملأهای عمده بوشهر نوشته، و در آن اشاره نموده است، که با قوام جنگ کرده، و او را به کلی مغلوب کرده، و اشعار داشته است که از پرداخت مالیات در لار اکیداً قدغن نموده است (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۷۴) سید مخالفت خود را با محمد علیشاه اعلام کرد و همگامی مبارزان بوشهری با انقلابیون لار، بندرعباس و بندرلنگه را خواستار شد. (وثوقی، ۱۳۵۷: ۱۳۷). اخبار پیروزی ملیون بندرعباس، لنگه و لار باعث تهییج انقلابیون بوشهر شد و سید مرتضی با حمایت مردم در صدد تدارک حمله گسترده ای به مقرهای دولتی مستقر در بوشهر برآمد.

کاپیتان ترور، کفیل کنسولگری بوشهر که در غیاب ماژور کاکس در بوشهر انجام وظیفه می کرد. درباره چگونگی آغاز قیام سید مرتضی چنین گزارش کرده است. «وی، سید مرتضی اهرمی» بنا به دستور عبدالحسین لاری و هم بر اساس احکام علمای بلند مرتبه شیعه در نجف، نهضت بوشهر را رهبری می کرد و در این راستا با مشکلی مواجه نبود، زیرا حکمران بنادر در محل حضور نداشت و پادگان بوشهر هم که از تعداد سیصد نفر سرباز اصفهانی تشکیل شده بود، ایستادگی نمی کرد. سید مرتضی تعدادی از روستاییان مسلح از روستای خود اهرم و سایر روستاهای واقع در پس کرانه ها در بوشهر مستقر ساخت و با کمک آنها و ظاهراً به نام آرمان ملیون کنترل بوشهر را در بیست و دوم مارس در دست گرفت (بشیری، همان: ۴۷۶). علیمراد فراشبندی نیز درباره انگیزه اصلی سید مرتضی مجتهد اهرمی از تصرف بوشهر و اداره امور این شهر چنین نوشته است «سید مرتضی علم الهدی اهرمی مردی مبارز به شمار می رفت و به خاطر داشتن تمایلات شدید آزادیخواهی مورد توجه ملیون واقع شده بود. این روحانی متعهد و

برجسته، در زمان استبداد صغیر پس از وصول فتوای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، بر آن شد که بوشهر را از تصرف مستبدین خارج و طرفداران محمد علیشاه را از این بندر بیرون کند. به همین جهت ابتدا موضوع را با علما و تجار بوشهری در میان گذاشت و پس از موافقت آنها، رئیسعلی دلواری و زایر خضرخان و میرزا حسین خان برازجانی و خالو حسین بردخوئی و رئیس عبدالحسین دشتی و احمد خان انگالی که در حیطة نفوذ او بودند. [را] برانگیخت تا برای تحقق هدفش به همراهی تفنگچیان ابواب جمعی خود در وقت مقرر به بوشهر عزیمت نمایند. رئیسعلی دلواری در این مبارزه پیشقدم شد (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۴۱). همانطور که در سطور پیشین اشارت رفت سید مرتضی اهرمی با هماهنگی رؤسا و خوانین دشتی و دشتستان و نیروهای ملی مستقر در بوشهر در شب اول ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق/ بیست و سوم آوریک ۱۹۰۹ م در یک اقدام سریع و بدون خونریزی بوشهر را تصرف کرد، و معز الدوله برادر آصف الدوله حکمران فارس را که حکمران بنادر بود، پس از چند روز به شیراز فرستاد و طرفداران وی ادارات دولتی را به تصرف خود را در آوردند.

با استناد به گزارش کفیل کنسولگری مقیم بوشهر سید مرتضی و ملیون در آغاز قیام خود در صدد تصرف گمرک بوشهر نبودند و به نظر می رسد انقلابیون بوشهری اطلاع داشتند که بر اساس وثیقه ای، در دوران حکومت مظفرالدین شاه قاجار، گمرکات جنوب ایران در اختیار انگلیسی ها قرار گرفته است، اما دگرگونی سریع تحولات بوشهر به نفع سید و هوادارانش، سبب گردید برخلاف انتظار انگلیسی ها گمرک بوشهر نیز توسط ملیون تصرف شود.

تصرف گمرک بوشهر توسط ملیون و عکس العمل انگلیسی ها

گمرکات جنوب ایران که سالانه هزاران تومان از بابت تعرفه های گمرکی آن به خزانه شاهی سرازیر می شد، بر اساس توافقنامه ای در قبال پرداخت وام به مظفرالدین شاه قاجار چندین سال بود که در رهن انگلیسی ها قرار داشت و قسمت مهمی از درآمد آنها به عنوان اقساط وام به حساب انگلیسی ها پرداخت می شد (با حسینی، ۱۳۷۶: ۶۶). هنگامی که نیروهای ملی طرفدار سید مرتضی گمرک را به اشغال در آوردند، کارکنان بلژیکی آن را برکنار کردند و مؤسس خان ارمنی را به عنوان مدیر کل گمرکات منصوب نمودند. مقامات انگلیسی برای اینکه سید مرتضی و اتباعش در امور گمرک مداخله ننمایند، پرداخت مقرری تفنگ چیان حاضر در

بوشهر را متعهد شدند و علاوه بر این پنج هزار روپیه هم برای سید مرتضی تعیین کردند اما سید مرتضی پیشنهاد مقامات مزبور را که جنبه سیاسی و دیپلماتیک داشت، رد کرد و صریحاً اظهار داشت انجام نظر آنها بدون کسب اجازه آخوند خراسانی به هیچ وجه امکان پذیر نیست (فراشبندی: ۴۱). دولت بریتانیا بلافاصله عکس العمل نشان داده، طی نامه ای توجه ملیون بوشهری را به نکات ذیل معطوف داشت.

۱- عموماً گمرکات بنادر وثیقه وام سیصد هزار پوندی است که چند سال پیش شاه [مظفرالدین شاه] دریافت کرده است.

۲- وصول های فعلی گمرک بوشهر که ماهانه بالغ بر سی هزار تومان است، بابت پرداخت سود پیش پرداخت ها و حواله های پیش از اعتباری که شاه و وزرا دریافت کرده اند. به گونه ای ویژه در حال حاضر نزد بانک شاهی در گرو می باشد (حسن زنگنه، ۱۴۱۸: ۳۵۷).

انگلیسی ها خواستار آن شدند که رهبران ملیون بوشهر و به ویژه سید مرتضی به درخواست های دولت انگلیس به نظر احترام بنگرد اما سید برای ضربه زدن به منافع آنان در صدد قطع این شریان مهم اقتصادی برآمد. در اول ماه ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق. سید مرتضی اهرمی رسماً به کنسول خانه انگلیس نوشت که مهار حکومت را از جانب ملیون در دست دارد و وظایف مأمورین محل را موقتاً عهده دار است و ترتیب حفظ جان و مال اتباع خارجه را خواهد کرد (بشیری، همان: ۴۴۴). جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر در گزارشی برای جرج یارکلی در تهران چنین نوشت: «اولین جواب مقطوع از سید مرتضی دیشب آخر شب به من رسیده، که به طریق مراسله رسمی نزد یک نفری که واسطه است، فرستاده شده و او برای من ارسال داشته بود. سید ابتدا بیان نموده که حفظ منافع مسلمه دولت و ملت انگلیس یکی از فرایض اولیه ملیون است. پس از آن اشعار می دارد که برای اطمینان و استرضای قنسولگری در مسأله عایدات گمرکی من پیشنهاد می نمایم که قرارداد صحیحی در بین باشد و آن این است، دسته ملیون برای مخارج یومیه نگهداری تفنگچیان روزی پانصد تومان مأخوذ بدارند و بقیه نزد یک نفر تاجر ایرانی معتبری که طرفین انتخاب نمایند، سپرده شود و تا سه ماه نزد او به امانت بماند. در عرض آن مدت دسته ملیون جواب اخیر را تعویق انداخته و ضمناً از مراکز هیجان ملیون دیگر کسب تکلیف خواهند نمود یا دولت انگلیس برای اثبات دعوی خود اسناد ارایه خواهند

داشت. (بشیری: ۴۴۴). سید مرتضی علی رغم وعده مساعدی که به جنرال قنسول انگلیسی مقیم بوشهر مبنی بر کنترل ملیون داده بود، چند روز بعد به اتفاق تعدادی از تفنگچیان به دارالحکومه رفته، پرچم سلطنتی را پایین کشید و پرچم ملیون را به جای آن نصب نمود. به دنبال خارج شدن کارگزار دولتی از شهر، اکثر طبقات مختلف بوشهر به هواداران سید مرتضی و ملیون پیوستند (همان: ۴۴۴).

علیمراد فراشبندی می نویسد «محمد علیشاه به منظور جلب توجه سید مرتضی او را به لقب نظام العلما ملقب و ماهی پانصد تومان مقرر برای وی منظور داشت. مراتب توسط معین التجار به سید مرتضی ابلاغ ولی سید که طبعی منیع داشت و مردی وارسته و ازاده بود از قبول آن قویاً امتناع ورزید (فراشبندی: ۴۲).

بوشهر قریب دو ماه در تصرف طرفداران مشروطه بود. در طول این مدت، سید مرتضی به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و مشکلات و معضلات را از طریق موازین شرعی حل می کرد. سر جرج بارکلی در گزارشی که به تاریخ بیست و ششم آوریل ۱۹۰۹ م / ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق برای ادوارد گری، وزیر امور خارجه انگلستان، ارسال داشت. درباره نقش سید مرتضی اهرمی و سلطه وی بر مقدرات مردم چنین نوشته است: «در حقیقت وضعیت و رفتار سید مرتضی مؤسس این جنبش بوده، واضح است بدون پیش قدمی و استعداد معتنا به تفنگچی که او توانسته تهیه نماید. برای دسته ملیون امکان نداشت، که بتواند به این سهولت بر قوای شاه فایق آیند و با تهور بسیار اتحاد خود را با مقصود ملیون مشهود داشت (بشیری: ۴۴۷) دو ماه بعد از تصرف بوشهر دولت وقت طی حکمی با موافقت انگلیسی ها احمد خان دریاپیگی^(۲) را به سمت حکمرانی کل بنادر جنوب ایران منصوب نمود. احمد خان برای موفقیت در قلع و قمع سید مرتضی و نیروهای ملی طرفدار وی ابتدا به عراق عرب رفت و پس از جلب نظر برخی علمای نجف، از راه عراق به بوشهر آمد تا در فرصت مناسب نقشه های خود را به اجرا گذارد.

در این زمان تعدادی از نیروهای به ظاهر طرفدار سید مرتضی که غالباً صحرانشین بودند به بازار بوشهر دستبرد زدند و اموال برخی از مردم را غارت کردند (بشیری: ۱۳۰) جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر که از مخالفان جدی سید مرتضی و ملیون بود و قصد مشوب کردن اذهان دولتمردان انگلیسی در تهران، انگلیس و هند علیه سید مرتضی و هواداران را داشت. در گزارشی

به سر جرج بارکلی اوضاع را چنین ترسیم نمود: «سید مرتضی هنوز در نگهداشتن دو بیست الی سیصد نفر تفنگچی اصرار دارد شهر به حالت وحشت زدگی است، و امور به عمده تعطیل است. تهاجمی از طرف این تفنگچیان پیش بینی می شود و به این جهت بازارها و حتی دکان ها هنوز بسته اند. اگر یک راه نجاتی حاصل نشود، بیم آن است که اهالی بالتمام در جنرال قنسولگری انگلیس پناهنده شوند (بشیری: ۴۷۸) سر ادوارد گری، وزیر امور خارجه وقت انگلیس، در پاسخ به گزارش جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر و گزارش بارکلی موافقت خود را با مداخله نظامی انگلیس اعلام کرد و به بهانه مخاطره آمیز بودن اوضاع بوشهر و تأمین امنیت جانی اتباع انگلیس و دیگر اتباع بیگانه، به ناو سلطنتی فاکس دستور داد از بندرعباس به جانب بوشهر رهسپار گردد. (حسن زنگنه: ۳۵۹)

در روز دوم آوریل ۱۹۰۹م/ ۱۳۲۷ هـ. ق کشتی فاکس وارد بوشهر شد و در لنگرگاه بیرونی استقرار یافت. سواد مراسله مورخ پنجم جمادی الاول ۱۳۲۷ هـ. ق. که امضای میرزا جوادخان سعد الدوله در پای آن است، بیانگر تأیید اقدام مداخله جویانه انگلیس در وقایع بوشهر می باشد: «مراسله آن جناب جلالت مآب مورخ بیست و نهم ربیع الثانی دایر بر جلب استعدادی که آن دولت فخریه به ملاحظه حفظ اتباع خود و رعایای خود به بوشهر وارد کرده بودند، شرف وصول بخشید، و از این که از طرف آن دولت به رفع انتظاری که اولیای این دولت داشته، مساعدت شده است امتثال حاصل گردید (ترکمان، ۱۳۷۲: ۲۲) به دنبال موافقت وزارت خارجه ایران با مداخله تفنگداران انگلیسی در بوشهر و تأیید ضمنی نمایندگان سیاسی دولت های روس، عثمانی و آلمان، جنرال قنسول انگلیس در تلگرافی به سر جرج بارکلی لزوم مداخله فوری در وقایع بوشهر را یادآور شد. بر اساس ادعای وی نگهداری نظم از عهده سید مرتضی خارج شده، و تفنگداران طرفدار سپه مقدار معتناهی مال التجاره انگلیسی را غارت کرده بودند. سر ادوارد گری در تلگراف مورخ آوریل ۱۹۰۹م/ ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق به بارکلی، موافقت خود را با عملیات نماینده دولت انگلیس مستقر در بوشهر اعلام نمود. نماینده سیاسی انگلیس مستقر با سید مرتضی تماس گرفت و اتمام حجت نمود در اسرع وقت تفنگچیان تحت امر وی بوشهر را ترک نمایند. اما به دنبال رد درخواست او از طرف سید مرتضی، افراد نیروی دریایی انگلیس در ساحل پیاده شدند و ساختمان نمایندگی انگلیس واقع در جنوب بوشهر (سبز آباد

کنونی) و محوطه وسیع گمرک واقع در شمال شهر، همجوار بانک شاهی و تجارتخانه وانکھوس و شرکا را به تصرف خود در آورند.

تلگراف جنرال قنسول انگلیس در تاریخ یازدهم آوریل ۱۹۰۹ م / ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق به سر جورج بارکلی و سر ادوارد گری، مؤید پیاده شدن نیروی دریایی انگلیس در بوشهر است: «چون جواب مهمی در مقابل اولتیماتومی که به ترتیب مصوبه جنابعالی دیروز در ساعت پنج بعد از ظهر نمودم. من بر طبق تعلیمات جنابعالی در اعلانی اشاعه داده و صد نفر قشون از کشتی پیاده نمودم. تفنگچیان هنوز در جزیره [شبه جزیره] بودند و بیشتر از هر وقت خودسر و خارج از اطاعت برای تمام اروپاییانی که محتاج حفاظت بودند مستحفظ گماشته شد در پیاده شدن قشون هیچ مخالفتی ظاهر نگردید و بدون هیچ نوع تصادفی پیاده شدند. پنجاه نفر از آنها در گمرک گماشته شدند و پنجاه نفر در قنسول خانه انگلیس در بوشهر (ترکمان: ۲۲). اسناد تاریخی بیانگر آن است که پیاده نمودن چهارصد نفر تفنگچی دریایی انگلیس در بوشهر، که بهانه برقراری نظم و حفاظت از رعایای انگلیس و دول خارجی انجام شد، مورد حمایت نمایندگان سیاسی دولتهای آلمان، روسیه، فرانسه و عثمانی بوده است، انگلیسی‌ها توانستند با استقرار افراد نیروی دریایی خود در شهر، اوضاع بوشهر و شبه جزیره را تحت کنترل خود در آورند.

فاتحان تهران و اندیشه سرکوب قیام مشروطه خواهان بوشهر

منافع استعماری دو دولت روسیه و انگلستان در ایران و رقابت‌های پنهانی آن دولت‌ها که به دنبال قرارداد ۱۹۰۷/۱۳۲۵ هـ.ق به مسالمت گراییده بود سبب گردید این دو قدرت تلاش نمایند مهره‌های وابسته به خود را در هیأت حاکمه دولت و مجلس بر سر کار آورند. و از این طریق منافع سیاسی - اقتصادی خود را تأمین کنند. حوادث بعد از استبداد صغیر، کشمکش‌های داخلی بر سر قدرت و ماهیت غیر انقلابی بعضی از دست‌اندرکاران اداره کشور، مانند سردار اسعد بختیاری و محمد ولی خان تنکابنی (سپهدار اعظم) زمینه مساعدی را برای تحقق اهداف آنها فراهم ساخت. احمد خان دریابگی که به دنبال اشغال بوشهر توسط نیروهای مشروطه خواه این شهر را ترک کرده بود، با حمایت جدی فاتحان تهران که میراث‌خواران مشروطیت بودند، به بوشهر بازگشت و کنترل اوضاع را به دست گرفت. مرحوم آیت الله آخوند خراسانی یکی از

مراجع طرفدار مشروطیت، نیز طی نامه ای به سید مرتضی اهرمی خواستار همراهی وی با احمدخان دریایی گردید. در سواد این نامه که در جریده جبل المتین به چاپ رسیده چنین آمده بود: «جناب مستطاب سید العلماء الاعلام، کهف الانام ملاذ الاسلام آقا سید مرتضی اهرمی دام افضاله العالی جناب دریا بیگی برای همراهی با ملت و اعلاى کلمه حقه مشروطیت و اجرای احکام صادره و مساعدت جنابعالی و جناب مستطاب ملاذ الانام ثقه الاسلام آقای حاجی میرزا محمد دام افضا له العالی فرستادیم. مادامی که با شما همراهی دارد، عموم اهالی بوشهر و مضافات، او را به حکومت بشناسند. اداره جات باید به تصرف ملت باشد و محصول گمرکات و سایر دواير اگر از مصارف آنجا تفضیلی پیدا کند، صرف مجاهدین تبریز و سایر نقاط نمایند. اگر خدای نخواست از این جاده انحراف پیدا نمود، اهالی ایشان را به حکومت نشناسند و به تمام خوانین عظام و رؤسای فخام مخصوصاً نوشته ایم در همراهی حکومت با جنابعالی بطوری که مذکور شد (جبل المتین، ۱۳۲۷، سال ۶۷: ۱۱).

همانگونه که مرحوم آخوند خراسانی احتمال داده بود، دریایی به دلیل وابستگی به انگلیسی ها از جاده مشروطیت انحراف پیدا کرد و سید مرتضی اهرمی که با خلوص نیت و دیدگاهی کاملاً مذهبی و دین گرایانه به انقلاب مشروطیت علیه مستبدین قیام کرده بود چنانکه روزنامه جبل المتین می نویسد: به دلیل پلتیک ناشناسی (جبل المتین: ۱۴۵) و پاره ای علل و عوامل دیگر، کنترل اوضاع را از دست داد و سرانجام تسلیم نیروهای به ظاهر مشروطه خواه گردید، احمد خان دریایی که همراه سید اسدالله خارقانی، یکی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی در ربیع الثانی ۱۳۲۷ هـ.ق وارد بندر بوشهر شده بود، زعامت انجمن شهر را به عهده گرفت و مرحوم میرزا علی کازرونی^(۳) که از مشروطه خواهان صدیق به شمار می رفت و در جنبش مشروطه خواهی بوشهر نقشی بالنده ایفا نموده بود، به سمت نیابت ریاست انجمن ولایتی منصوب گشت. احمد خان که به علمای بلند مرتبه نجف قول مساعد داده بود از حکومت مشروطه پشتیبانی نماید، و از حمایت فاتحان تهران نیز برخوردار بود، از جانب نمایندگان سیاسی دولت های خارجی مستقر در بوشهر بویژه نمایندگی کنسول انگلیس در این شهر نیز تأیید گردید. وی به کنسولگری انگلیس اطمینان خاطر داد که در اسرع وقت امنیت و آرامش را در بوشهر برقرار خواهد ساخت.

علل شکست مشروطه خواهان در بوشهر

در بررسی علل و عوامل شکست قیام سید مرتضی اهرمی و نیروهای مشروطه خواه، چند عامل را باید مد نظر قرار داد. که مهم ترین آنها سرخوردگی تجار بوشهری از نیروهای مشروطه خواه بود. آنان به دلیل قیام چند ماهه مشروطه خواهان و ناامنی راه تجاری بوشهر - شیراز متضرر شده بودند. بر بازگرداندن آرامش تأکید داشتند.

با استناد به گزارش مندرج در شماره نهم حبل المتین مورخ بیستم شعبان سال ۱۳۲۷ هـ ق/ دسامبر ۱۹۰۹ م منشاء اصلی اختلاف بین تجار بوشهری و سید مرتضی، ابهام موجود در قبال چگونگی هزینه هفتصد تومان پولی دانسته شده، که به دنبال اشغال گمرک بوشهر به دست سید مرتضی افتاده بود. نگارنده آن مقاله در نوشتار خود بسیاری از حقایق تاریخی را بیان کرده است.

بنابراین به منظور کسب آگاهی بیشتر خوانندگان از کم و کیف قضایا و حصول اطلاعات مستند آن مقاله در این بخش آورده می شود. «شماره پنجم مورخ پانزدهم رجب سال ۱۳۲۷ هـ ق مطابق هفدهم اگست ۱۹۰۹م ذکر شده بود که هر کس اطلاعی در مسأله هفتصد تومان و کمتری که از گمرک برای به هم زدن بین تجار و آقا سید مرتضی اهرمی دارد، بنویسد اگر نخواهد اسم او را هم ذکر نخواهیم کرد. این بنده اطلاع کامل دارم و از هیچ کس هم ترسی ندارم. اگرچه به واسطه رک گویی صدمات زیادی هم خورده ام. ولی باز هم می گویم و اسم مرا ذکر نماید.

وقتی که سید مرتضی دوایر دولتی و گمرکی را تصرف کرد، خود بنده بر حسب احضار با اجزای گمرک حضور داشتم اول حرفی که شده این بود که رئیس بلژیکی را باید تغییر داد. از این [رو] که در معاملات چک و غیره با بانک اشکالات خواهند داشت. چون بانک و سایر دوایر قانونی، کسی را به ریاست نمی شناسند، که رئیس قبل از او معرفی نکرده باشد، که فلان جای من رییس است و کتباً نوشته باشد. باری بعد از چند روز به واسطه همین اشکالات مجبور شدند، که رییس بلژیکی موسوم به مسیو وزین را با بعضی شرایط که صلاح بود، قبول کنند. یکی از شرایط عمده این بود که پول به تهران نرود که تماماً گلوله و باروت شده، به جان برادران ما به خورد، باری چند مرتبه سید اظهار داشت که یکی از تجار باید پول گمرک را ضبط نماید تا تکلیف همه بلاد معین شود. تمام تجار معتبر حاضر بودند. [اما] از هیچ کس صدا بیرون

نیامد، بعد از اصرار زیاد، یکی از معتبرین فرمود که (سینه درد دارم) و ممکن ندارم، حمل پول گمرک را به عهده بگیرم. هر کسی به یک عذری قبول نکرد، مگر جناب غلامحسین تاجر کازرونی وکیل جمشیدیان قبول کرد. آن هم انجام نیافت. روز بعد تحویلدار گمرک را دیدم که پول در دست داشت و می گفت نمی دانم واردات گمرکی امروز را به که بدهم و به واسطه اغتشاش شهر هم جرأت نمی کنم در منزل نگاه دارم و همان قسم روز دیگر هم باز تحویلدار را نزدیک غروب دیدم و گفت نمی دانم تکلیفم چیست. هیچ یک از تجار پول را قبول نمی کنند. عاقبت پول بی پیر [بی پدر] را بردند نزد سید [سید مرتضی اهرمی] ایشان هم خرج داشتند و عده کثیری تنگستانی را باید نگهداری کنند. در صورتی که هیچ کسی هم قبول نکرده بود. نظر به اوضاع و احوال عدد تنگستانی زیاد شد و رفته رفته اقتدار سید زیاد گردید. بعضی خیال افتادند که مبادا خطری برای آنها روی دهد، یا خیال دیگری کردند، نمی دانم. محرمانه مجلس شد، و از آن قسم هایی که جمعی در تهران یاد کردند و توپ کشیدند بر روی مجلس و مجلسیان، در میان آمد. پنج شش نفر از رؤسای تنگستانی را با خود هم قسم کردند. بالاخره بیرق نفاق افراشته شد. این بنده با مشهدی علی نام اهرمی که یکی از دوستان حقیقی سید مرتضی بود، به دیدن سید رفتم. خیرخواهانه صحبتی که شد، این بود که آقا جان بنده در تهران بودم، خودم دیدم که شب جشن سال دوم مشروطیت درشکه آقا سید عبدالله (سید عبدالله بهبهانی) و آقا سید محمد [سید محمد طباطبائی] را روی دست با صلوات آوردند. بعد همان اشخاص با آن همه خدمات به سر بیچارگان آوردند. آنچه آوردند شما هم عاقبت خود را دیده، حرکت نمایید. و ظاهراً سید مات و مبهوت و متحیر بود چه بکند. می گفت مرا واداشتند به این کار. و الحال خودشان مخالفت می کنند. و جمعیتی ناجور هم دور سید بودند. حرفشان این بود که آقا پول را از دست مده که به تمام با شما دشمن هستند و دنیا هزار رو دارد. [به زر می توان لشکر آراستن]. دانایان رموز پلتیک می دانند که خطای عظیم سید این بود که می گفت من حاضرم پول را نزد قنسول آلمان بگذارم و حساب بدهم. ولی جمعی از اقتدار سید دلتنگ بودند و می خواستند سید را خراب کنند، سید هم زیر بار نرفت.

بیایم به مطلب اصلی، به واسطه اغتشاش بلد، اهالی ورود جناب دریاییگی را فوز عظیم دانستند و بدون استثنا همه مایل بودند کربلائی محمود ملقب به منصور دیوان خیلی خوشوقت و

متصل در تک و دو بود. روزی به دیدن رئیس گمرک رفته و اظهار داشت که پول ندارم به جناب دریاییگی تلگراف کنم که مردم از ورود شما خوشوقت هستند. بلکه به زودی خودشان را برسانند. از طرف دیگر حکمران در کربلا و نجف ماند و راه بصره به واسطه اغتشاش اعراب مسدود بود. کربلایی محمود گفت حتی می‌خواستم اسباب به بانک شاهی بگذارم برای پول، قبول نکرد. رئیس گمرک این مسأله را تلگراف کرد. جواب آمد وزرای مسوول برای سهولت ورود دریاییگی پول بدهند. منصور دیوان برای تلگراف مبلغی پول گرفت، و تلگراف اول را برای رئیس گمرک. بنده ترجمه کردم و بعد منصور دیوان آمده و بدین اسم پول خواست، که چون راه مسدود است، می‌خواهم یک کشتی بادی با آذوقه جلو دریاییگی از راه سماوات بیاید به این ترتیب از گمرک پول گرفت. رئیس گمرک جدید مسیو لولو از محمره [خرمشهر] وارد شد و مسیو وزین به محمره رفت. کربلایی محمود باز مبلغی پول خواست، رئیس جدید گفت شما باید صورت صحیح از مخارجی که کرده اید، برای من بیاورید. تا باقی حساب شما را بپردازم. یک صورت مفصلی نوشت، و این را باید دانست که گمان نمی‌کرد مشروطه قائم شود، چون پول گرفته بود. ناچار شد این قسم صورت بنویسد، و همان صورت را به مسیو لولو، رئیس جدید گمرک داد. و او به بنده داد ترجمه کردم. مختصراً از مفصل این که، هر اتفاقی در بوشهر افتاده بود، ایشان نوشته بودند فلان مبلغ دادم برای اینکه این کار بشود، مبلغ هم هفتصد تومان نبود. کلاً پانصد و هفتاد الی هشتاد تومان بود. این اطلاع بنده بود. کربلایی محمود با این تدبیر این مبلغ را از گمرک گرفت حالا اگر رفیق دیگری هم داشتند، خدا عالم است. روزی رئیس گمرک این صورت را به جمعی از بوشهری‌ها ارایه نمود و آنها چند سواد از آن برداشتند. زیاده جسارت است (حبل المتین. ۱۳۲۷، ش ۲۰۹: ۱۳) مترجم السلطنه. همانطور که از نوشتار مترجم السلطنه بر می‌آید- یکی از محرکان اصلی اغتشاشات بوشهر، کربلایی محمود مشهور به منصور دیوان بوده است. وی از طرفداران جدی احمد خان دریاییگی به شمار می‌رفت. سید مرتضی اهرمی در آن ماجرا با خلوص نیت عمل کرد. اما افرادی که از پیروزی سید و طرفدارانش نگران بودند، و منافع خود را در خطر می‌دیدند، به سعایت و توطئه چینی پرداخته، موجبات جدایی و تفرقه بین حامیان جدی سید را فراهم آوردند.



سید مرتضی اهرمی و مسئله آلمان ها

با تکیه بر اسناد موجود در کتاب آبی و گزارش های روزنامه جبل المتین، یکی دیگر از دلایل توطئه و اقدام انگلیسی ها علیه سید مرتضی و مشروطه خواهان بوشهری، نزدیکی سید مرتضی به آلمان ها بود که از مدت ها قبل تلاش می کردند، نفوذ خود را در کرانه های شمالی خلیج فارس و بویژه بوشهر گسترش دهند. در اینجا ضروری به نظر می رسد، نگاهی مختصر به فعالیت های سیاسی - اقتصادی دولت آلمان در بوشهر داشته باشیم. در سال ۱۸۷۱ م / ۱۲۵۰ هـ. ش بیسمارک صدر اعظم آلمان پس از در هم شکستن چند قدرت اروپایی، تأسیس امپراطوری آلمان (رایش دوم) را اعلام کرد. آلمان ها بعد از سالها تفرقه در اواخر قرن نوزدهم سیاست توسعه طلبی خود را در اروپا شروع کردند، و این سیاست در زمانی آغاز شده بود که به نوشته پل کندی، آنها هم قدرت و توانایی و تجهیزات لازم برای تغییر وضع موجود در اروپا را در اختیار داشتند و هم افراد و مواد اولیه را، و این دو عامل می توانستند وسایل قدرت لازم را برای ایجاد تغییرات مورد نظر فراهم نماید.

بیسمارک صدراعظم آهین آلمان اعلام کرده بود، مهم ترین خواسته آنها پس از تشکیل رایش دوم داشتن مستعمرات در جهان است. این خواسته با کینه و نفرت رقیب دیرینه آلمان

یعنی فرانسه (به دلیل شکست از آن کشور) و نیز با ترس روسیه و مخالفت انگلیس روبرو گردید. همانگونه که از نتایج کنگره برلین در سال ۱۸۸۴م / ۱۲۶۳ ش بر می آید. پس از کشمکش های فراوان آلمان توانست در افریقا، چین و اقیانوس آرام مستعمراتی به دست آورد. اما این سهمیه ناچیز هرگز اشتهای سیری ناپذیر آلمان ها را اشباع نکرد. آلمان ها اگرچه هدف اصلی خود را در ایران حفظ اهداف تجاری ذکر می کردند، اما رقابت های بین المللی و تقویت توان نظامی و ضربه زدن به منافع رقبا در هر گوشه دنیا، بخش دیگری از برنامه های زمامداران آن کشور بود. حضور آلمان ها در منطقه خلیج فارس بخشی از این سیاست بود، که از مدت ها پیش اسباب دلهره و نگرانی انگلستان را موجب شده بود، زیرا موفقیت های سیاسی - اقتصادی آلمان حتی سال ها پیش از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) عرصه را بر انگلیسی ها در آن منطقه تنگ کرده بود. بنا به موقعیت خاص استراتژیک بندر بوشهر، در نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم اکثر قدرت های بزرگ دنیا در این شهر نمایندگی های سیاسی و تجاری دایر نموده بودند. دولت آلمان نیز یکی از قدرت های بزرگ آن روزگار بود، که در بوشهر کنسولگری تأسیس کرد. شرکت تجاری وانکپوس که یکی از شرکت های تجاری آلمان در منطقه خاور میانه به شمار می رفت. در بندر بوشهر رسماً از سال ۱۹۰۶م / ۱۳۲۴ ق فعالیت خود را شروع کرد.

ظهور آلمان در عرصه مناسبات دیپلماتیک جهان و سیاست های توسعه طلبانه خاور میانه ای این کشور که منافع روس ها و انگلیسی ها را به طور یکسان در این منطقه به مخاطره می افکند، دولت های روس و انگلیس در ایران را بر آن داشت تا به گونه ای مصمم نگذارند هیچ حقی از آنها در ایران ضایع گردد. تکاپوهای سید مرتضی اهرمی و ملیون که به گزارش روزنامه حبل المتین از حمایت آلمان ها و بویژه واسموس نماینده سیاسی جدید آلمان در بوشهر که به تازگی از سفر زنگبار به بوشهر مراجعت کرده بود، و در راستای تضعیف منافع انگلیسی ها فعالیت می کرد، برخوردار بود، نمی توانست از دید تیزبین انگلیسیها مخفی بماند. نویسنده حبل المتین چندان هم بیجا ننوشته است؛ که سید [مرتضی اهرمی] به خیال خویش می خواست آلمان را حامی خود قرار دهد. آلمانی ها هم از دیرباز ساعی بودند، که به بهانه ای در خلیج فارس نفوذ نمایند.

مسلم است که انگلیسی ها هم بر این امر هرگز رضا نخواهند داد. این بود که انگلیسی ها بر قلع و قمع سید از بوشهر و خلیج فارس مصمم شدند (همان: ۱۳) سرپرستی کاکس سرفنسول انگلیس در بوشهر، در گزارش های سالانه خود به سال ۱۹۱۱م / ۱۳۲۹ق در همین باره می نویسد:

دکتر لیستمان در بیستم آوریل عازم مرخصی شد و به جای ایشان آقای واسموس که از زنگبار آمده بود، عهده دار امور گردید. نامبرده از اوضاع ایران آگاهی نداشت و به زبان فارسی نیز آشنا نبود، وی در شرایطی بسیار دشوار وارد بوشهر شد و راجع به اطلاعات محلی کاملاً وابسته به میرزا و مترجمش بود. میرزا مردی دسیسه گر بود؛ که می خواست در آن شرایط نگران کننده که عملاً منافع و امنیت جانی تمامی خارجیان ساکن بوشهر در گرو سیاست دولت انگلستان و نماینده اش بود، با رفتار حساب شده اش مشکلاتی برای این نمایندگی به وجود بیاورد (کاکس، ۱۳۷۷: ۶۵).

شایان ذکر است که نمایندگی سیاسی انگلیس در بوشهر، از ارتباط تنگاتنگ سید مرتضی با آلمان ها و قصد وی در آن شرایط حساس تاریخی برای استفاده از آنها به عنوان یک آلترناتیو معتبر کاملاً آگاه بود. کاکس چند بار به طور غیر رسمی به واسموس درباره بحرانی بودن اوضاع محل تذکر داده بود. اما واسموس نیز ضمن انکار ارتباط خود با ملیون اظهار داشته بود، او خود را به کلی از دسیسه های موجود در بوشهر برکنار داشته است (همان: ۶۶).

البته اگر سید مرتضی قصد نزدیکی و سازش با آلمان ها را نمی داشت، انگلیسی ها هرگز با وی به مخالفت بر نمی خاستند. این سیاستی بود که آنها همان زمان در تهران نیز در پیش گرفتند، و به حمایت از رؤسای مشروطه خواه اقدام کردند. در آن صورت انگلیسی ها نیروی نظامی در بندر بوشهر پیاده نمی کردند و سید هم دچار آن تنگناها نمی شد.

فرجام مشروطه خواهان در بوشهر

روند حوادث بعد از استبداد صغیر و روی کار آمدن جناح قدرتمند بختیاری ها در مرکز که در راستای اهداف میراث خواران انقلاب گام برمی داشتند، از طرفی نارضایتی تجار بوشهر را در پی داشت، که ظاهراً از نا امنی و آشوب های چند ماهه بوشهر متضرر شده بودند، و از طرف دیگر همراه با توطئه های پنهان و آشکار تفنگداران انگلیس در وقایع بوشهر، اوضاع به

گونه ای پیش رفت که نتیجه نهایی آن عقب نشینی سید مرتضی و نیروهای تحت امر وی از مواضع قبلی شان بود.

همانگونه که پیش از این اشاره شد، مرحوم آیت الله آخوند خراسانی نیز طی نامه ای برای سید مرتضی خواستار همراهی و همگامی وی با احمد خان دریابگی شده بود، و این در حالی بود که مرحوم آخوند خراسانی به دلیل تعدیات احمدخان در بندر لنگه و بوشهر در بیست و هشتم شوال ۱۳۲۷ ق در نامه ای به سپهدار تنکابنی و سردار اسعد بختیاری صدر اعظم و وزیر داخله وقت به شدت به عملکرد احمد خان حمله کرده، و در بخشی از نامه خود چنین آورده بود: «... جنابان مستطابان اجل اشرف رئیس الوزرا و وزارت جلیله داخله دامت تأییداتهما. با حالت جهالت اغلب اهالی بنادر فارس که شرف خود را در تهیه اجرای مفاسد [مقاصد] اجانب پنداشته اند. البته مکشوف و جناب دریابگی هم جز فراهم نمودن موجبات چپاول و دخل خود مقصد دیگری ندارد. رواج مشروطیت در بنادر با چنین حامل غیر مترقبه فی الحقیقه آن نقطه عظیم از ایران جزو جزایر انگلستان محسوب است. علاج فوری فرستادن حاکمی با علم و کفایت، بی طمع و وطنخواه شایسته تربیت اهالی واجب...» (ترکمان، همان: ۲۹). اگرچه این نامه بیانگر آن است که مرحوم آخوند خراسانی در کمتر از پنج ماه بعد از قیام سید مرتضی از اقدامات ضد مردمی احمد خان دریابگی آگاهی یافته است. اما حمایت اولیه مرحوم خراسانی سبب گردید، احمد خان هرچه سریع تر بر اوضاع بوشهر مسلط گردد. با وجود حجم گسترده توطئه ها علیه سید مرتضی و نیروهای مشروطه خواه، در آغاز او و طرفدارانش از مواضع خود عدول نکردند و در صدد مقابله با احمدخان دریابگی برآمدند. در پانزدهم جمادی الاول ۱۳۲۷هـ. ق تفنگچیان تنگستانی به مقابله با نیروهای حکومتی برخاستند. آنها در بعضی خانه ها سنگر گرفتند، و از صبح تا غروب به پیکار پرداختند. نیروهای دولتی نیز با اقدام به بمباران مواضع و سنگرهای احرار تنگستانی، آنچنان تلفاتی بر ملیون وارد ساختند که قرآن نزد احمدخان دریابگی فرستادند و امان خواستند. در اثنای درگیری احمدخان تلاش نمود با احضار شیخ حسین خان چاهکوتاهی به بوشهر و به منظور اصلاح بین طرفین، او را نزد سید مرتضی بفرستد، تا سید را متقاعد سازد که از بوشهر خارج شود. اما شیخ حسین خان در این مأموریت موفق نشد. در این زمان سربازان پادگان و نیز برخی اهالی بوشهر که احساساتشان کاملاً توسط

انگلیسی ها علیه سید مرتضی و طرفدارانش تحریک شده بود، به قصد تسخیر منزل سید مرتضی که در کوتی جنب نایب قنصلگری انگلیس واقع شده بود، هجوم برده خانه سید را به توپ بستند. در جریان جنگ بسیاری از طرفداران سید که کار را بر خود سخت می دیدند، بدون مقاومت صحنه جنگ را ترک گفتند و از اطراف وی پراکنده شدند (فراشبندی: ۳۳).

سید مرتضی که وضعیت را بدین گونه دید، تسلیم شد، و بناچار صلح را پذیرفت. روز شنبه مورخ هیجدهم جمادی الاول ۱۳۲۷ ق رؤسای لشکری همراه با کسبه و دکانداران و جمعی از تجار بوشهر که تغییر موضع داده بودند در دارالحکومه (امیریه) اجتماع کرده، استشهادی نوشتند و به این بهانه که حضور سید مرتضی در شهر مایه اغتشاش و اختلال نظم است. خواستار اخراج و تبعید وی از بوشهر شدند، هنگامی که خواسته و مراسله مخالفین و برخی علمای بوشهر به سید مرتضی رسید؛ جوابی بدین مضمون به آنها داده «من مدتی است، مظلومیت اختیار کرده ام. در باب حرکت اشرار [احرار] حضرت ولی عصر (عج) را شاهد خود قرار می دهم که بی اطلاع هستم؛ و اگر به مسافرت من اصرار دارید، باید سه روز مهلت داشته باشم و بعد از آن روانه شوم، والا برای دفاع حاضرم (جبل المتین، ۱۳۲۷: ۱۴).

استمهال سید مرتضی در پاسخ آن نامه، مخالفان را که در نابودی وی هم عقیده شده بودند، خشنود نساخت. اصرار و ابرام بر حرکت سید از بوشهر تداوم یافت و آنها برای دستیابی به اهدافشان، سید اسدالله خارقانی را که به نمایندگی از جانب مرحوم آخوند خراسانی به بوشهر آمده بود، نزد وی فرستادند. بر اساس نوشته های جبل المتین، مذاکرات سه ساعت به طول انجامید اما نتیجه ای حاصل نشد. در این اثنا از طرف نیروهای دولتی دو توپ بر خانه ای که مشرف بر منزل سید بود، نصب کردند و گلوله باران شروع شد. بیش از یکصد تیر به سوی منزل سید مرتضی شلیک کردند. بعد از تخریب بخشی از منزل سید، تفنگچیان حامی وی که در منزل سنگر گرفته بودند، از آنجا گریختند. به دنبال این وقایع، صحنه ای حادث شد که روزنامه جبل المتین به بهترین وجه آن را ترسیم کرده است؛ بعد از فرار تفنگچیان سید مرتضی «سربازها به مجردی که داخل منزل راه یافتند، به غارت و چپاول پرداختند، هرچه موجودی بود، در اندک مدتی بردند، حتی در اتاق ها را هم برداشته و غارت کردند. به حیثیتی که حالا تمام آن خانه دارای یک درهم نیست (جبل المتین، همان: ۱۴). سید مرتضی چون این رفتار وحشیانه را

مشاهده کرد؛ از آنجا که می دانست همه این فتنه ها از کجا سرچشمه می گیرد، همراه دو یا سه نفر از اتباع خود به سمت قنصلگری انگلیس حرکت کرد. اما در بین راه دستگیر شد و سربازان دولتی او را به شدت مضروب ساختند. «حرکات آنها با جناب سید مرتضی سلمه الله یک پرده کوچک از روز بیست و سوم جمادی الاول ۱۳۲۶ق و کردار نابهنجار سربازان سیلاخوری نسبت به سیدین حجتین و اسرای بهارستان را مجسم می نمود و آدمی نبود که تماشای این پرده مدهش بنماید. مثلاً همانگونه که جهانگیرخان بیچاره را گرفته و بدون اینکه بفهمد تقصیر و گناهش از چیست، به ضرب و زجرش اقدام کردند.

اینجا هم که سربازان دولتی که دیروز بود، از فرط گرسنگی در نزد اجانب متحصن شده بودند، آنچه از دستشان برمی آمد، در حق سید کوتاهی نکردند».

بر اساس اسناد موجود سید مرتضی، زایر خضرخان تنگستانی را که از رؤسای تنگستانی بود نزد احمدخان دریابگی فرستاد و مجدداً امان خواست. اما سربازان دولتی به این درخواست سید وقعی نهاده به شرارت های خود ادامه دادند. سرانجام سید تسلیم شد. بعد از دستگیری سید - که مستر چیک ویس قنصل انگلیس در بوشهر نیز در آن صحنه حضور داشت. وی را در میان هلله و غریو و هیاهو به طرز موهنی به دارالحکومه بردند و تسلیم حکومت کردند. فوراً دستور توقیف او صادر گردید و به موقع اجرا گذاشته شد.

در بحبوحه درگیری سید مرتضی با نیروهای دولتی سردار اسعد بختیاری در تلگرافی از تهران برای احمدخان دریابگی، پیروزی احمدخان بر سید را تبریک گفت و رفع فتنه و فساد را خوستار شد. متن تلگراف سردار اسعد که در جریده جبل‌المتین به چاپ رسیده چنین است؛ «جناب جلالت مآب دریابگی حکمران بنادر دام اقباله و اعضای انجمن ولایتی دامت تأییداتهم، بحمدالله اردوی ملی باشکوه و وقار وارد، اهالی شهر با نهایت نشاط و مسرت پذیرایی و استقبال نمودند. پیشقراول اردو هم به منظریه مأمور شد و ان شاء... تعالی با موافقت و اتفاق حضرت سپهدار [محمد ولی خان تنکابنی] عازم تهران خواهیم شد. البته جناب اجل عالی و عموم اعضای انجمن ولایتی در ترتیبات و انتظامات بوشهر و تمام بنادر اهتمامات وافیه خواهید فرمود، که ذره ای اختلاف و بی نظمی واقع نشود و ان شاء... تا کنون از شر زحمات و خرابکاری های سید مرتضی آسوده شده اید، و رفع فتنه و فساد او را فرسوده. منتظر اخبار ولایت و انتظامات

آنجا خاطر این خادم ملت خواه را مسبوق و مسرور دارید. (علی قلی بختیاری) (حبل المتین، شماره ۳: ۲۰-۳۲). چند روز بعد از دستگیری و توقیف سید مرتضی، رئیسعلی دلواری که از تغییر اوضاع بوشهر اطلاع حاصل کرده بود، با عده ای از رؤسای دشتی، تصمیم گرفت تجدید قوا نموده، به بوشهر حمله کند و سید را از زندان عمال استبداد مستخلص سازد. اما احمدخان دریابگی که از قصد رئیسعلی آگاه شده بود- سید را به کشتی مظفری که در وسط دریا لنگر انداخته بود منتقل کرد.

رئیسعلی دلواری و تفتنگچیان وی قبل از اینکه بوشهر را مورد هجوم قرار دهند، شرایط و پیشنهادهایی به احمدخان نمودند و از جمله تقاضاهای آنها موارد ذیل بود.

۱- سید را با احترام به مقام خود عودت دهند، تا کما فی السابق به کار خویش مشغول شود.

۲- خانه او را خراب که کرده اند تعمیر و مرمت کرده، به حال خود بازگردانند.

۳- اسباب او را به موجب تفصیلی که خودش می دهد مرجوع گردانند.

۴- به عوض آن چهار نفری که در آن معرکه کشته شده، چهار نفر به ایشان بسپارند تا آنها را بکشند وگرنه اعتنا به هیچ کس نکرده به بوشهر حمله ور خواهند شد. (همان، شماره ۱: ۱۶).

احمدخان دریابگی که با تکیه بر مراسله مورخ بیستم ربیع الاول ۱۳۲۷ ق از حمایت بی دریغ دولت انگلیس و نیروهای مستقر در بوشهر برخوردار بود، به خواست مجاهدان تنگستانی ترتیب اثر نداد. در این اثنا مأمورین که در سرکوب سید مرتضی و احرار تنگستانی نقش کارساز داشتند، خواستار تشویق و جایزه شدند. فاتحان تهران که در آن زمان در باغشاه مستقر بودند، تلگرافی به این مضمون به بوشهر ارسال کردند، که چون مأمورین نظامی در این حرکت بوشهریان ممانعتی نکرده اند، و از اشرار جلوگیری ننموده بودند، باید تمام آنها را مأخوذ و محبوس نمایند. (همان: ۱۶). چند روز بعد تلگراف دیگری از طرف حکومت باغشاه صادر شد که از قصور و کوتاهی مأمورین حکومتی چشم پوشی گردیده بود (همان: ۱۶).

شیخ ابوالقاسم و شیخ اسدالله که به همکاری با سید مرتضی مجتهد اهرمی متهم شده بودند، بعد از چند روز حبس به انجمن شهر آورده شدند، و پس از سوگند خوردن به قرآن که در صدد ایجاد بلوا و آشوب نباشند آزاد شدند. جناب سید مرتضی پس از هیجده روز توقیف در کشتی

مظفری، سرانجام با صوابدید نماینده انگلیس در تاریخ هشتم رجب ۱۳۲۷ مطابق با بیست و ششم جولای ۱۹۰۹م به همراه خانواده اش به نجف اشرف تبعید گردید.

نتیجه

قیام سید مرتضی مجتهد اهرمی در بوشهر که به توصیف روحانی جلیل القدر لارستانی مرحوم سید عبدالحسین لارستانی انجام گرفت، از معدود خیزش‌های مردمی و مترقیانه‌ای است که علیه استبداد محمد علی‌شاه قاجار در کرانه شمالی خلیج فارس به وقوع پیوست. قیام دو ماهه مرحوم سید مرتضی گرچه از حمایت جدی مشروطه خواهان و ملیون و حتی در آغاز از حمایت علمای بزرگ نجف برخوردار بود. اما سیر تحول وقایع و از جمله اقدامات قاجار و همچنین حمایت سردار اسعد از احمدخان دریابگی و به خطر افتادن منافع تجاری بوشهر و بویژه انگلیسیها که مقر اصلی نمایندگی سیاسی آنها در این شهر بندری قرار داشت. حوادث را علیه سید مرتضی و نیروهای طرفدار وی دگرگون کرد.

شایان ذکر است نیروهای ناهمگون که در آغازین روزهای پیروزی به سید پیوسته بودند، غالباً بر اساس تمایلات گروهی خود عمل می‌کردند، و نارضایتی تجار بوشهر از ادامه آشوب‌ها و ناامنی که منافع اقتصادی آنها را به خطر می‌انداخت، و لطمه‌های جبران‌ناپذیری که بر منافع این قشر وارد ساخته بود، سبب گردید. سید مرتضی در لحظات پایانی عمر سیاسی خود اغلب یارانش را از دست بدهد.

سید که به دلیل عدم حمایت سیاسی مرکز و سرخوردگی تجار بوشهری آرزوهای خویش را پایمال شده می‌دیدند، علی‌رغم روحیه ظلم‌ستیزی همچون هم‌رزم خویش مرحوم آیت الله سید عبدالحسین لاری در یک درگیری نابرابر در مقابل تهاجم فراگیر دشمنان شکست خورد و ناگزیر به هجرت و تبعید از بوشهر به عراق گردید.

یادداشتها

۱- سید مرتضی فرزند سید جعفر در اهرم تنگستان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. جد او سید باقر از سادات کاکی دشتی بوده که در آنجا درگذشت. سید جعفر پدر سید مرتضی از کاکی به اهرم مهاجرت کرده، در آنجا توطن نمود. سید مرتضی بعد از تحصیلات اولیه در زادگاه خود به

نجف مسافرت کرد و تحصیلات علوم دینی را در محضر علما و مراجع بزرگ به مراحل عالی رسانید و از محضر استادان برجسته ای چون مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره برد و به درجه اجتهاد نایل گردید.

۲- احمدخان دریابگی از دانش آموختگان مدرسه دارالفنون تهران بود. او مدرسه سعادت مظفری را در سال ۱۳۱۷ در بوشهر تأسیس کرد. سه بار به حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس منصوب شد. که آخرین بار آن در زمان محمد علیشاه قاجار بود - احمدخان برای نخستین بار کتاب های نوئی را دکامران را از فرانسه به فارسی ترجمه و در نشریه مظفری به چاپ رسانید - سرانجام در سال ۱۳۳۹ق/ ۱۲۹۹ ش در خرمشهر وفات یافت.

۳- میرزا علی کازرونی مشهور به لسان المله فرزند مرحوم میرزا حسین کازرونی از بازرگانان بوشهر بود که به دلیل تقیدی که در دیانت داشت، بین مردم محبوبیتی بسزا داشت و در مبارزه با انگلیسی ها از بازرگانان فوق العاده جدی و مشهور بود. در دوره اول مجلس به سال ۱۳۲۴ق به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی از همزمان مرحوم سید مرتضی مجتهد اهرمی به شمار می رفت و در جنگ بین الملل اول در کنار شهید رئیسعلی دلواری علیه استعمار انگلیسی ها به مبارزه پرداخت. برای آگاهی بیشتر به کتاب: فارس و جنگ بین الملل رکن زاده، آدمیت مراجعه کنید.

۴- سید اسدالله خارقانی از شاگردان آیت الله آخوند خراسان و از طرفداران جدی مشروطه بود. در جریان مشروطه خواهی در بوشهر نقش دو گانه ای ایفا نمود، لیکن تا زمانی که در بوشهر حضور یافت. به استناد گزارش های حبل المتین طرف توجه مشروطه خواهان بوشهر بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- باحسینی، سید قاسم (۱۳۷۶) رئیس علی دلواری. تهران: نشر شیرازی.
- ۲- ترکمان، محمد (۱۳۷۲) اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس به ایران. تهران: نشر وزرات خارجه.
- ۳- زنگنه، حسن (۱۴۱۸) مجموعه مقالات کنگره آیت الله سید عبدالحسین لاری. قم: نشر بنیاد معارف اسلامی قم.
- ۴- فراشبندی، علیمراد (۱۳۶۵) جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری. شرکت سهامی انتشار.
- ۵- کاکس، سرپرسی (۱۳۷۷) گزارش های سالانه سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر. ترجمه حسن زنگنه. به کوشش عبدالکریم مشایخی. تهران: مرکز نشر مطالعات بوشهر شناسی.
- ۶- وثوقی، محمدباقر (۱۳۵۷) لارستان در جنبش مشروطیت. قم: انتشارات فرهنگی سایه قم.
- ۷- بشیری، احمد (۱۳۶۲) کتاب آبی (گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران). تهران: نشر نو.
- ۸- روزنامه جبل المتین (۱۳۲۷). س ۱۷، ش ۱: کلکته.